



Approaches of Imami Scholars in Facing Sunni News

Alborz Mohaghegh Garfami *
Raza Haghpanah**
Sayyed Ali Delbari***

Received: 03/03/2022
Accepted: 11/08/2022

Abstract

Imamiyya scholars have not adopted the same approach when facing Sunni news. This research uses library resources and descriptive-analytical method in order to typify the aforementioned approaches. Approaches of conditional acceptance, non-acceptance and instrumentalism are the three types of Imamiyya's confrontation with Sunni news. According to the findings of this research, the selection of the first approach is dependent on the fulfillment of conditions in this news, which include: lack of mandatory rules and principles of belief, reporting of news from the Messenger of God (pbuh) and Ali (pbuh), the support of the news with fame, existence Reliable narrators in the chain of Sind and also included in the writings of Imami scholars. The second approach also does not allow the acceptance of these reports due to the three reasons of the advice of the Prophets (pbuh) to oppose the public, the lack of justice of Sunni narrators, and the knowledge of self-inflicted falsification in their collection of hadiths. The instrumental approach, without judging the credibility of these news, uses them to discover hadiths that show piety or to protest against religious opponents. This research, after explaining the evidences of each of these types, sat down to review them and at the end explained its chosen approach on the basis of the central hypothesis in obtaining trust in the issuance of hadith.

Keywords: *Popular News, Acceptance, Rejection, Instrumentality, News Reliability.*

* Master of Quran and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) mohaghegh.gr@gmail.com

** Assistant Professor, Fiqh Department, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. rhaghp@yahoo.com

*** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. saddelbari@gmail.com

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۳۱
پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۳۶۳-۳۹۴

مقاله علمی - مروری

10.30497/IFR.2022.241661.1660



20.1001.1.22518290.1400.11.1.2.0

رویکردهای علماء امامیه در مواجهه با اخبار اهل سنت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

البرز محقق گرفمی*

رضا حق پناه**

سیدعلی دلبری***

چکیده

علماء امامیه در مواجهه با اخبار اهل سنت، رویکردی یکسان در پیش نگرفته‌اند. این پژوهش با بهره از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی در پی گونه‌شناسی رویکردهای پیش گفته است. رویکردهای پذیرش مشروط، عدم پذیرش و وسیله‌مداری، گونه‌های سه‌گانه مواجهه امامیه با اخبار اهل سنت است. بنا بر یافته‌های این جستار، گزینش رویکرد نخست، وابسته به احراز شرایطی در این اخبار است که عبارتند از: دربر نداشتن احکام الزامی و اصول عقاید، نقل خبر از رسول خدا (ص) و علی (ع)، معاضدت خبر با شهرت، وجود راویان موثق در سلسله سند و نیز درج در نگاهته‌های بزرگان امامیه. رویکرد دوم نیز به سه علت وجود توصیه معصومان (ع) بر مخالفت با عامه، عدم احراز عدالت راویان اهل سنت و نیز علم به وقوع وضع و جعل خودخواسته در مجموعه احادیث ایشان، پذیرش این اخبار را روا نمی‌داند. رویکرد وسیله‌مدارانه نیز، بدون داوری درباره میزان اعتبار این اخبار، از آنها برای کشف احادیث دال بر تقیه یا برای احتجاج در مقابل مخالفان مذهبی بهره می‌جوید. این پژوهش، پس از تبیین ادله هر یک از این گونه‌ها، به نقد و بررسی آنها نشست و در پایان رویکرد برگزیده خویش را بر مبنای قرینه محوری در حصول وثوق به صدور حدیث تبیین نموده است.

واژگان کلیدی

اخبار عامه، پذیرش، رد، وسیله‌مداری، وثاقت خبری.

* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

mohaghegh.gr@gmail.com

rhaghp@yahoo.com

saddelbari@gmail.com

** استادیار گروه فقه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

طرح مسئله

داوری درباره اعتبار حدیث فرآیندهای گوناگونی به خود دیده است. در یکی از این فرآیندها احراز شرایطی در مورد هریک از روایان سلسله سند، سبب مقبول افتادن روایات خواهد شد. این شرایط در سه رده عمومی قرار می‌گیرند که عبارتند از: الف. مقدماتی، ب. اعتقادی، ج. شخصیتی (بصیری و دارابی، ۱۳۹۵، ص ۳۰). عقل و بلوغ جزء شرایط مقدماتی راوی شمرده می‌شوند و اسلام و ایمان (اعتقاد به تشیع دوازده امامی) از شرایط اعتقادی محسوب می‌شوند. شرایط شخصیتی نیز عبارتند از: مؤلفه‌هایی چون وثاقت، عدالت، فراموشکار نبودن و هشجاری در نقل کردن از افراد ضعیف (ن.ک: صدر، بی‌تا، ص ۲۵۳؛ غوری، ۱۴۳۳ق، ص ۲۷؛ حافظیان بابلی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۳۳-۳۵).

بررسی باورهای عقیدتی روایان سلسله سند، نقش مهمی در داوری درباره حدیث دارد. تا آنجا که امامی نبودن با وصف «فساد عقیده» نام بردار شده و وجود این صفت در حداقل یکی از روایان، سبب موثق انگاشتن حدیث شمرده می‌شود (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۶؛ فضلی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۸؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۰). برخی از حدیث پژوهان امامی، روایان غیر شیعی را به سبب بهره‌مند نبودن از شرایط اعتقادی و پذیرش امامت اهل بیت (ع)، از گستره عدالت و وثاقت خارج می‌دانند. در این دیدگاه، مفهوم ایمان به معنای پذیرش مذهب تشیع بوده و استنکاف از آن سبب بی‌بهره‌گی از عدالت و وثاقت می‌شود (حلی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۲۹۱؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۱۰؛ شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ص ۹۱؛ میرداماد، ۱۳۱۱ق، ص ۱۸۵).

این جستار با بهره از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی در پی یافتن راهکاری برای مواجهه با اخبار اهل سنت است. در این پژوهش، مقصود از اخبار عامه، روایاتی است که از طریق روایان پیرو مکتب خلفاء از معصومین به‌ویژه رسول خدا (ص) نقل شده باشند. واکاوی در سند این روایات، آنها را با علم رجال و تراجم پیوند می‌زند. و اگر این روایات به‌عنوان سنج‌های برای رفع تعارض به کار روند، مربوط به علم اصول فقه خواهند بود. بهره‌وری از آنها در موضوعات خارجی مربوط به فعل مکلفین نیز مربوط به علم فقه است. هم‌چنین اگر دربردارنده آموزه‌ای پیرامون عقاید اسلامی باشند با علم کلام متناسب خواهند بود.

پرسش بنیادین این پژوهش، گونه‌های رویارویی علماء شیعی با اخبار منقول از اهل سنت است. فرضیه پژوهش این است که مواجهه علماء شیعی معمولاً رویکردی قاعده‌مند به خود

نگرفته است. به دیگر سخن، هر یک از گونه‌های مواجهه ایشان با اخبار عامه، برحسب موضوع خبر یا مذهب راوی، متناسب با بخشی از اخبار اهل سنت است. برای این منظور پس از نمونه‌کاوی در نگاشته‌های حدیثی، فقهی، اصولی و کلامی علماء شیعی، گونه‌های پیش گفته در ۳ رده عمومی تقسیم شدند و در نهایت، نظریه مختار ارائه شده است. این نوشتار از جهت بررسی رویکردهای علماء شیعی در رده روش‌شناسی اجتهاد قرار می‌گیرد. و از جهت نقد و بررسی این رویکردها و ارائه دیدگاه برگزیده، پژوهشی نوین شمرده می‌شود.

پیشینه تحقیق

موضوع اخبار اهل سنت در مباحث مرجحات باب تعارض کتب اصولی مورد توجه قرار گرفته و در نگاشته‌های دانش رجال نظری نیز، ذیل راویان موثق از آن سخن رفته است. در بررسی‌های مبتنی بر علم کلام نیز برای احتجاج در مقابل مخالفان مذهبی بدان‌ها استناد شده است. همچنین در برخی از فروع و قواعد فقهی برخی از اخبار عامه، مستند قرار می‌گیرند. در حوزه نحوه مواجهه علماء شیعی با اخبار عامه، رساله «تحلیل انتقادی معیارهای جرح و تعدیل فریقین در اخذ روایات راویان مذاهب مخالف با رویکرد تقریب بین مذاهب اسلامی» (۱۳۹۶) به کوشش جناب نوروز امینی به نیکویی اثرگذاری عوامل مذهبی و سیاسی بر داوری درباره راویان را در دوره‌ای از تاریخ حدیث پژوهی شیعی و نیز علل فاصله گرفتن از این روش را در دوره‌های بعد کاویده است. بررسی‌های انجام شده در سایر پژوهش‌های مرتبط با این جستار نشان می‌دهد که در مواجهه با اخبار اهل سنت سه رویکرد پژوهشی مدنظر بوده است که عبارتند از: واکاوی سندی و رجالی اخبار منقول از عامه، اعتبارسنجی موضوعی این اخبار در مواردی محدود و نیز روش‌شناسی فردی. جستارهایی مانند «میزان اعتبار راویان اهل سنت از دیدگاه علمای شیعه» (۱۳۹۵) به کوشش جنابان بصیری و دارابی و «جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجالی» (۱۳۸۱) نگاشته مریم قبادی در رویکرد اول می‌گنجند. مقاله «کارکردهای نقل روایات اهل سنت در منابع شیعی با تکیه بر روایات تفسیری» (۱۳۸۷) به کوشش جنابان باقری و رحمان ستایش؛ در رویکرد دوم قابل ارزیابی است. این مقاله، تنها به کارکردها و نتایج بهره‌وری از اخبار تفسیری اهل سنت مانند اصالت‌بخشی، افزایش اعتبار روایات شیعی، نقل مناقب اهل بیت و حل تعارض میان اخبار اهل سنت پرداخته است. نوشتار «نقش اهل بیت در نقد و تبیین روایات کلامی عامه» از جعفری و جلالی نیز به بررسی روش برخورد اهل بیت با روایات شبهه‌انگیز حاوی گزاره‌های عقیدتی، در دو راهبرد

آشکارسازی تحریف و تبیین برداشت‌های نادرست در ضمن ۱۷ روایت پرداخته است (۱۳۹۳ش، ص ۱۷۴).

برخی از پژوهش‌ها مانند «دیدگاه علامه مجلسی در استفاده از اخبار و منابع اهل سنت در بحارالانوار» (۱۳۹۶) نگاهتته احسان سرخه‌ای نیز در پی نحوه مواجهه موردی یکی از عالمان شیعی با اخبار اهل سنت است که به برخی کارکردهای اخبار اهل سنت مانند تأیید احادیث شیعی، کشف موارد تقیه و کشف متن اصیل احادیث پرداخته و نحوه مواجهه با انواع کتب اهل سنت محور اصلی است نه اخبار عامه.

از دیگر سو مقالاتی چون «اعتبارسنجی مرجحیت مخالفت با اهل سنت در علاج تعارض اخبار» (۱۳۹۷ش) و «نگرش تاریخی-تحلیلی به مرجحیت مخالفت با اهل سنت در متون فقه امامیه و تأملاتی در آن» (۱۳۹۷ش) به قلم علیزاده نوری و همکاران در پی سنجش روایی کاربرد مرجحیت مخالف با اهل سنت در مسأله نجاست خمر است. مقاله «واکاوی دلالت قاعده مخالفت با اهل سنت در فقه و اصول شیعه» (۱۳۹۸ش) به قلم تسلیخ و همکاران نیز به مسائلی چون مفهوم معیار مخالفت با عامه، گستره کاربرد آن و بررسی موضوعیت یا طریقت آن پرداخته است.

با وجود این تلاش‌های شایسته، پژوهشی مستقل که به گونه‌شناسی نحوه مواجهه با اخبار اهل سنت پرداخته باشد و پس از تبیین چستی و دلایل هر یک از گونه‌ها، به نقد و بررسی آنها نشسته باشد یافت نمی‌شود. هم‌چنین رویکرد واحدی که بتوان با بهره از آن به داوری درباره اخبار اهل سنت رسید، سامان نیافته است. جستار حاضر در پی جبران این دو کاستی پژوهشی بوده و از نظر طبقه‌بندی هر یک از گونه‌ها، بررسی آنها و ارائه روی آورد برگزیده نوین می‌نماید.

۱. رویکردهای امامیه در مواجهه با اخبار عامه

با بررسی نگاهتته‌های حدیثی، فقهی، اصولی و کلامی علماء امامیه سه رویکرد کلی در مواجهه با اخبار اهل سنت قابل ارزیابی است. در رویکرد اول، برحسب موضوع یا سند حدیث، شرایطی برای پذیرش آن در نظر گرفته شده است. رویکرد دوم، پذیرش اخبار غیر شیعی را روا نمی‌داند. در رویکرد سوم نیز به اخبار اهل سنت در قامت وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف ضمنی نگریسته می‌شود.

۱-۱. پذیرش مشروط اخبار عامه

کسانی از علماء شیعی، به ادله‌ای استناد کرده‌اند که مفاد آنها دال بر پذیرش اخبار اهل سنت به نحو اجمالی است. در ادامه، ادله هر یک از رویکردها و نقد آن بیان می‌شود.

۱-۱-۱. پذیرش اخبار اهل سنت با بهره از قاعده تسامح

یکی از قواعد پرکاربرد در ابواب مختلف فقهی، با عنوان «تسامح در ادله سنن» مشهور است. بر اساس این قاعده، عمل کردن به اخبار ضعیف رهنمون به مسائلی به غیر از اصول عقاید و احکام التزامی مجاز خواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ص ۷۶؛ انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۷). این قاعده بر دلایلی چون دسته‌ای از روایات، اجماع و حکم عقل بنا نهاده شده است (انصاری، ۱۴۱۴ق، صص ۱۳۸-۱۴۲؛ روحانی، صادق، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۳۵۹؛ سبحانی، ۱۴۱۵الف، صص ۱۳-۴۱؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۲۴). برخی از علماء، این قاعده را اصولی دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۹؛ نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۳۹). و برخی دیگر به جنبه کلامی آن باور دارند (سبحانی، ۱۴۱۵الف، ص ۸). کسانی دیگر نیز، کارکرد هم‌زمان فقهی و اصولی آن را پذیرفته‌اند (روحانی، محمد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۸-۳۹).

باورمندان به اصالت قاعده تسامح، در گستراندن دامنه این قاعده به مباحث دیگر نیز، هم داستان نیستند. برخی با مبنا قرار دادن مفهوم بلوغ ثواب، مواردی چون دریافت اجماع منقول، شهرت و فتوای فقیه را به شرط بیان اعمال دارای ثواب را در قاعده تسامح داخل دانسته (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۹۸). ولی شمول این قاعده را بر اخبار دال بر قصص و مواعظ روا نمی‌دانند (همان، ص ۷۹۳). یکی از عرصه‌های امکان وقوعی بهره از قاعده تسامح، اخباری است که از طریق اهل سنت به دست رسیده باشد.

باورمندان به شمول اخبار اهل سنت دال بر فضائل اعمال ذیل قاعده تسامح، از اطلاق مجموعه احادیث من بلغ سود جسته‌اند (مظاهری، ۱۳۹۷ش، ج ۱، ص ۱۶۵). به این بیان که عموماً اخبار من بلغ، دال بر جواز تسامح در هر روایتی است که نادرستی آن اثبات نشده است (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۹۴).

مراد از اطلاق یا عموم اخبار من بلغ در این استدلال، وجود عباراتی مانند «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ النَّوَابِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۲۹) و «مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَيْرِ» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳) در این اخبار است که در ظاهر، به دست آوردن گزاره‌های دال بر اعمال غیر الزامی را از هر طریق، با بیانی خالی از هر قید یا خصوصیتی بیان کرده‌اند. به دیگر سخن یکی از مؤلفه‌های شبکه معنایی اخبار من بلغ، مفهوم «بلوغ ثواب» است. باورمندان به قاعده تسامح، این مفهوم را عام دانسته و به دست آوردن عمل دارای ثواب از هر راهی را مجاز می‌شمارند (

مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص ۲۶۰). بر همین اساس، بهره از این قاعده را در همه مواردی که در آنها، ثوابی برای مکلف ذکر شده جایز بوده و عمل به ظنونی مانند اجماع منقول، شهرت، فتوای فقها و نیز اخبار اهل سنت را به شرط بیان ثواب مجاز شمرده می‌شود (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۹۸).

بهره از اطلاق اخبار من بلغ برای اثبات جواز تسری قاعده تسامح به روایت عامه، بر عملی با مبنای استحباب ثانوی بنا شده است. نمونه‌هایی از بهره علماء امامی از این قاعده را در مباحثی چون جواز خواندن نافله بر پشت یا پهلو در حال اختیار و نیز روش‌های مستحب همبستری می‌توان جست (ن.ک: نجفی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۲، ص ۲۲۳؛ بحرانی، ۱۳۶۳ش، ج ۲۳، ص ۱۴۶). این موارد به اخباری از اهل سنت مستند شده‌اند.

نقد و بررسی

با وجود درازنای بهره از این قاعده در میان برخی اصولیان و حدیث‌پژوهان فریقین، عده‌ای نیز با تبیین اشکالاتی، مدلول اخبار من بلغ را دال بر آسان‌گیری در پذیرش اخبار ضعیف حاوی آموزه‌های غیر الزامی نمی‌دانند (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۳۷). مهم‌ترین دلیل اینان، استوار بودن احکام اسلامی به دلایل شرعی معتبر است (بحرانی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۴۰۶). حال آنکه استحباب عملی که برآمده از اخبار ضعیف‌السند است، قابل استناد به شرع نیست.

هم‌چنین استفاده از اجماع برای اثبات قاعده کارساز نیست؛ چرا که این قاعده، بر اخباری بنا نهاده شده است. پس اجماع مد نظر، مدرکی می‌نماید. و چنین اجماعی بنا بر مشهور فاقد اعتبار است. البته به نظر می‌رسد مراد برخی از واژه اجماع در این موضع، همان اتفاق عملی فقهاء باشد که با نام شهرت عملی شناخته می‌شود. این شهرت نیز دچار خدشه است، چرا که عده‌ای از بزرگان قوم از آن در مفهوم قاعده تسامح، روی‌گردان بوده‌اند.

برخی نیز با استفاده از معنای لغوی بلوغ، ویژگی‌هایی چون صحت سند، عدم تردید در بیان آشکار را شرایط تحقق معنای بلوغ دانسته و ازین راه بر پذیرش قاعده تسامح اشکال نموده‌اند (عابدینی، ۱۳۸۵ش، ص ۳۳). باورمندان به قاعده نیز، صدق و کذب خبردهنده را بر معنای بلوغ بی‌تاثیر دانسته‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۳۸).

باورمندان به قاعده تسامح، آن را منحصر به هرگونه اخبار رهنمون به احکام غیر الزامی از جمله اخبار اهل سنت می‌دانند. در حالیکه در اخبار من بلغ، قرینه‌ای برای اثبات انحصار مدلول آنها به احکام غیر الزامی وجود ندارد. و عموماً این اخبار بیانگر بهره از ثواب الهی در انواع اخبار الزامی و غیر الزامی در احکام مختلف هستند. هم‌چنین نمی‌توان عبارت «من بلغه»

را تنها منصرف به اخبار ضعیف دانست. لذا هرگونه خبر معتبر یا ضعیف با موضوعات الزامی و غیر الزامی را در برمی‌گیرند. بر این اساس، به مجرد بهره‌مندی اخبار اهل سنت از بیان ثواب عملی، پذیرش آن بلامانع خواهد بود. در حالیکه این نتیجه، لازمه‌ای نادرست است و تباه بودن ملزوم را آشکار می‌سازد.

هم‌چنین جعل استحباب به‌عنوان ثانوی نیز نادرست می‌نماید؛ چرا که در داوری پیرامون اطلاق اخبار من بلغ، نیک روشن است که ثواب مترتب بر عمل، بر دو گونه استحقاقی یا تفضلی متصور خواهد بود. برای کشف صحت هریک از گونه‌ها، توجه به الفاظ اخبار من بلغ رهگشا خواهد بود. از عباراتی مانند «ان کان لم یقله» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۱) در این اخبار، چنین بر می‌آید که خود عمل، ملاک حقیقی بهره از ثواب را ندارد و مصلحت عمل بدان ذاتی نیست، چون احتمال دارد از معصوم صادر نشده باشد. پس حتماً این ثواب تفضلی خواهد بود. افزون بر این، عنوان بلوغ ثواب را باید امری عارضی شمرد که سبب ایجاد مصلحت شده است. در حالیکه رسیدن خبر ضعیف دال بر استحباب عملی خاص، توان ایجاد مصلحت مستقل را ندارد (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۹). بر این اساس، جعل استحباب به‌عنوان ثانوی دچار اشکال خواهد گردید؛ چرا که از عباراتی مانند «كَانَ لَهُ أَجْرُهُ»، «كَانَ لَهُ ذَلِكَ النَّوَابُ» و «أَعْطَاهُ اللَّهُ ذَلِكَ» در اخبار من بلغ، چنین بر می‌آید که موضوع محوری، همان عمل خارجی مشخص است نه عمل مقید به اصلی دیگر مانند بلوغ ثواب. حتی بر فرض پذیرش اطلاق اخبار من بلغ نیز، تنها آن دسته از روایات اهل سنت را می‌توان پذیرفت که بر اعمال غیر الزامی رهنمون هستند، نه عموم اخبار عامه. از این نظر، معیار همه جانبه‌ای در برخورد با گونه‌های اخبار اهل سنت در موضوعات مختلف به دست نمی‌دهد.

برخی نیز معتقدند که سیره عقلاء در عمل به خبر واحد این است که خبر از طریق متعارف و معقول به دست برسد نه از طریق راویان ضعیف و مجهول (کریمیان، ۱۳۹۷ش، ص ۱۰). بر این اساس، مفهوم بلوغ خبر از هر طریقی به اطلاق خود باقی نخواهد ماند. پس، شرایط حجیت اخبار آحاد به قوت خود باقی بوده و اخبار آحاد اهل سنت مورد پذیرش نخواهند بود.

۱-۲-۱. پذیرش بر مبنای روایات رهنمون به کسب مطلق علم و حقیقت

در گستره احادیث شیعی، اخباری وجود دارند که رهنمون بر کسب دانش و یابیدن حقیقت از هر کسی است که بهره‌مند از آن باشد. برخی از این اخبار عبارتند از:

- شیخ صدوق به اسناد خویش از یکی از صادقین (ع) نقل می‌کند که فرمود: «لَا تُكْذِبُوا بِحَدِيثِ أَتَاكُمْ بِهِ مُرَجِيٌّ وَلَا قَدْرِيٌّ وَلَا خَارِجِيٌّ نَسَبُهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فَتُكْذِبُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۹۵).

- اخباری چون «خُذُوا الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» و «خُذِ الْحِكْمَةَ يَمَّنْ أَتَاكَ بِهَا وَ انظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ» (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۲۴۱) به نحوی عام بر اخذ حکمت از هر شخصی دلالت دارند.

نگارنده کتاب «المحاسن» با گشودن بابی با عنوان «خذ الحق من عنده و لا تنظر إلى عمله» (برقی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۲۲۹) از روایاتی در این باره یاد کرده است. بر این اساس نه تنها محلی برای تکذیب اخبار مخالفان وجود ندارد، بلکه کسب دانش از ایشان ضروری نیز خواهد بود. چنانکه علامه مجلسی نیز، نشر علم در میان توده‌های مردم را دلیلی بر وجود بخشی از اخبار نبوی نزد اهل سنت می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۱۶).

نقد و بررسی

خانواده روایاتی با موضوع کسب دانش از گروه‌های مختلف مردم، در مقام توجه دادن به وجود رخدادهایی مانند نسخ، تقیّه، تخصیص و تقييد بوده‌اند. عبارت «فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي لِمَ قُلْنَا وَ عَلَيَّ أَيْ وَجْهِ وَ صِدْقَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۸۶) در همین راستا قابل ارزیابی است. و نیز محتمل است که مراد از نهی از تکذیب، بازداشتن از تکذیب ابتدایی هر خبر منقول از مخالفان بدون بررسی محتوا و سند خبر باشد. اخبار دال بر پذیرش حکمت نیز، در مواردی جاری خواهند بود که به حکیمانانه بودن آن گزاره‌ها اطمینان وجود داشته باشد. در حالیکه محل بحث، گونه‌های مختلف سخن مخالفان است نه فقط گزاره‌های حکمت‌آمیز. با این حساب، پذیرفتن گزاره‌هایی از مخالفان مذهبی، زمانی روا خواهد بود که در مطابقت آنها با دانش و حکمت، اطمینان وجود داشته باشد. این گزاره‌ها اگر دربردارنده موضوعات دینی باشند باید در کنار مؤلفه‌هایی چون تقیّه و معیارهای اختلاف‌الحدیث در نظر آورده شوند. واگر از موضوعات خارج از سپهر دین سخن می‌گویند از باب مراجعه به متخصص و خبره در علوم تجربی، مورد بهره خواهند بود.

۱-۱-۳. پذیرش روایات نبوی از طریق عامه

بنا بر برخی دلالت‌های پاره‌ای از روایات شیعی، اخبار نبوی منقول از طرق اهل سنت به گونه اجمالی مورد قبول قرار می‌گیرند. هشام بن سالم از امام صادق (ع) درباره اخبار نبوی منقول از

اهل سنت پرسید «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ عِنْدَ الْعَامَّةِ مِنْ أَحَادِيثِ رَسُولِ اللَّهِ شَيْءٌ يَصِحُّ؟ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَنْالَ وَ أَنْالَ وَ أَنْالَ وَ عِنْدَنَا مَعَاذُ الْعِلْمِ وَ فَضْلُ مَا بَيْنَ النَّاسِ؛ آیا نزد اهل سنت اخباری صحیح از پیامبر خدا وجود دارد؟ حضرت فرمود: بله، رسول خدا بخشید و بخشید و بخشید ولی پایگاه‌های دانش و گفتار پایانی بین مردم، نزد ماست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۱۴). این حدیث، گرچه بیانگر جایگاه اهل بیت (ع) در بهره‌مندی از علم راستین است اما فقره ابتدایی پاسخ امام صادق (ع) در آن، بر وجود علم اجمالی در اعتبار پاره‌ای از اخبار اهل سنت دلالت دارد.

نقد و بررسی

درباره پذیرش اخبار نبوی منقول از اهل سنت به گونه‌ای فراگیر، روایاتی مخالف نیز وجود دارد. امام علی (ع) در گفتاری، مجموعه آنچه به‌عنوان سخن پیامبر نزد مردم است را آمیخته‌ای از حق و باطل، وهم و واقعیت، راست و دروغ، نسخ و منسوخ، خاص و عام و نیز محکم و متشابه توصیف نمود (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۲۳). واژه مردم (ناس) در این خبر بر توده‌های افراد پیرو مکتب خلفاء اطلاق می‌گردد. کاربست این واژه را در احادیث دیگری نیز می‌توان یافت (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۷۷). اما هیچ یک از این دو رویکرد، به نحو مطلق صحیح به نظر نمی‌آیند؛ چرا که وجود علم اجمالی بر صحت برخی از اخبار نبوی منقول از عامه، نه رهنمون به پذیرش تام آنهاست نه بیانگر رد همگی آنها در حکمی واحد. بر این اساس، بایستگی فهم و نقد مجموعه اخبار با ملاکهای اعتبارسنجی حدیث تقویت می‌شود. از دیگر سو برخی باورمندان به رویکرد پیش‌گفته، تنها آن دسته از اخبار نبوی منقول از اهل سنت را می‌پذیرند که مخالف روایات امامیه نباشد (طباطبایی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۶).

۱-۱-۴. پذیرش اخبار منقول از امام علی (ع) از طرق عامه

شیخ حر عاملی با گشودن بابی با عنوان «جواز العمل بما روته العامة عن علي (ع) في حادثة لا نص فيها من طريق الشيعة خاصة» (حر عاملی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۵۷۴) بر مجاز بودن عمل بر اساس هرگونه خبری منقول از علی (ع) از طرق اهل سنت که در آنها نصی وجود ندارد، فتوا داده است. این فتوا بر روایت ذیل از امام صادق (ع) استوار گشته است: «إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ حَادِثَةٌ لَا تَعْلَمُونَ حُكْمَهَا فِيمَا وَرَدَ عَنَّا فَانظُرُوا إِلَى مَا رَوَوْهُ عَنْ عَلِيٍّ فَاعْمَلُوا بِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۹۱). برخی فقهاء نیز در رویکردی مشابه، مدلول حدیث پیش‌گفته را چنین ارزیابی می‌کنند:

«این خبر به پیروی از روایت علوی منقول از عامه، در هنگامه نیافتن حکم مشابه در روایات شیعی، رهنمون است» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۹؛ نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۴۴۲).

نقد و بررسی

از روایات پیش گفته نمی‌توان مخالفت با اخبار اهل سنت را برکشید، بلکه این روایات تنها بر مخالفت عملی و فتوایی با نظریات علی(ع) دلالت دارند. افزون بر این، روایاتی وجود دارد که یکی از حکمتهای عدم پذیرش احکام اهل سنت را مخالفت آنها با نظرات امام علی(ع) می‌داند. برای نمونه، امام صادق(ع)، مخالفت دنیامداران با تثبیت حکومت ظاهری حضرت امیر(ع) را انگیزه مخالفت ایشان دانسته و می‌فرماید: «كَانُوا يَسْأَلُونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَنِ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَعْلَمُونَهُ فَإِذَا أَفْتَاهُمْ جَعَلُوا لَهُ ضِدًّا مِنْ عِنْدِهِمْ لِيَلْبَسُوا عَلَى النَّاسِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۵۳۱).

۱-۱-۵. اعتماد به اخبار استوار بر شهرت

باورمندان به رویکرد وثوق صدوری در اعتبارسنجی حدیث، افزون بر بهره از جایگاه سند، از قرینه‌ها و نشانه‌هایی برای احراز صدور حدیث از معصوم استفاده می‌کنند. یکی از مهمترین این قرینه‌ها، اقبال و روی آورد علماء شیعی، به محتوای خبری است که سند آن ضعیف می‌نماید (ربانی بیرجندی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۴۹). این اقبال به تعبیری چون «عمل اصحاب»، «عمل مشهور» و «شهرت» نام بردار است. در اصطلاح علم اصول، شهرت گاهی به معنای فراوانی راویان یک خبر است که به شهرت روایی خوانده می‌شود، گاهی به معنای رایج بودن یک فتوا در میان فقها و در پاره‌ای موارد به معنای اشتها عمل به روایتی از جانب تعداد زیادی از علماء؛ که به ترتیب با نامهای شهرت روایی، فتوایی و عملی خوانده می‌شوند (نائینی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۵۳). مراد از شهرت در این بحث، همان شهرت عملی است که با عنوان «عمل اصحاب» نیز نام بردار است. اهمیت شهرت در میان برخی متاخران تا بدانجاست که جستجو برای یافتن آن را هم طراز جستجو برای یافتن مخصّص می‌دانند (اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۴). باورمندان به حجیت شهرت عملی، تبیین مذکور در آیه نباء (حجرات: ۶) را مفهومی عام دانسته و جستجو از ظنونی چون عمل مشهور را گونه‌ای از تبیین شمرده و از این راه به اثبات حجیت شهرت عملی می‌پردازند (نائینی، ۱۳۵۲ق، ج ۲، ص ۱۰۹).

برخی از فقیهان امامی، شهرت عملی برآمده از منقولات را تنها در حوزه آثار علماء شیعی مفید می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۳؛ حلی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۱۳). کسانی در مقابل،

راههای حصول شهرت را منحصر در عمل و گفته فقیهان شیعی نمی‌دانند. برای نمونه، صاحب جواهر روایات عامی دال بر وجوب وضو به واسطه دست زدن به بدن زنان یا مصافحه با زردشتیان را تنها به واسطه وجود شهرت در جبران ضعف سندی آنها، قابل بررسی می‌داند (نجفی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۰). بر این اساس، گروه دوم، وجود شهرت عملی را ملاکی برای پذیرش اخبار اهل سنت خواهند دانست.

نمونه‌ای دیگر را در قاعده فقهی «علی الید» می‌توان دید که گرچه از طریق روایات شیعی بدست نرسیده است ولی شهرت عمل علماء پیشین شیعی به آن، حاکی از ریشه‌دار بودن اخبار اهل سنت در بردارنده این حکم نزد خاندان عترت و طهارت است (محمدی گیلانی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۱۰). شیخ طوسی نیز فتوای مشهور را دست‌مایه پذیرش روایاتی قرار می‌دهد که در سند آنها افراد عامی وجود دارند (ن.ک: طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۹۵؛ ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۰۰) در حالیکه نادرستی مذهب راویان اهل سنت در روایاتی که منجر به شهرت نیستند را عامل ضعف روایات می‌داند (همو، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۳۲).

نقد و بررسی

حجیت شهرت در میان علماء شیعی مورد اختلاف است. برخی، با انضمام اصل اولیه عدم حجیت ظنون بر عدم وجود دلیل کافی برای اثبات حجیت شرعی شهرت، آن را حجت نمی‌دانند (حجتی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۲). برخی نیز بر این باورند که رویکرد پذیرش جبران ضعف سند بوسیله شهرت عملی، پس از شیخ طوسی به وجود آمده است (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳۲) و پیش از وی، شهرت عملی، دست‌مایه قبول حدیث قرار نمی‌گرفته و فقهای پس از وی نیز به تبعیت از او گمان برده‌اند که عمل مشهور، پشتوانه‌ای برای حجیت حدیث است (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، صص ۷۴-۷۵).

برخی نیز معتقدند که قدمای اصحاب، تنها روایت را در کتب خود ذکر می‌کردند بدون آنکه استدلالی بر آن بنمایند (خویی، ۱۴۲۳ق، ج ۴۷، ص ۲۳۶). پس نمی‌توان از یادکرد روایت ضعیف در کتب قدماء، به حجیت عمل مشهور در قامت قرینه‌ای برای جبران ضعف سندی پی برد. برخی نیز بر این باورند که اعتقاد به جبران ضعف سند توسط عمل مشهور، سبب کم‌فروغ شدن جستجوهای رجالی و بی‌کاربرد شدن علم رجال می‌شود (عراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸۶). همچنین وثوق به صدور روایات حالتی است که باید در نظر خود عامل به خیر شکل بگیرد و وثوق دیگران به روایت کارگشا نخواهد بود (اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۴۳). پس، اعتماد قدماء به محتوای یک خبر، تنها به معنای تمام بودن دلیل اعتبار، نزد آنان است نه در نزد

پسینیان. هم‌چنین، یکی از شرایط جریان قاعده جبران ضعف سند به پشتوانه عمل مشهور، وحدت فهم بهره‌وران امروزین حدیث با فهم مشهور است (خمینی، مصطفی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۹). در حالیکه نسبت به همه اخبار اهل سنت مورد قبول عملی فقهاء متقدم، نمی‌توان این وحدت رویه در فهم مدالیل خبر را جاری دانست. پس نمی‌توان همیشه عمل مشهور را حجت انگاشت.

به نظر می‌رسد بهره از شهرت عملی برای انجبار ضعف سند، در دو مسلک وثوق خبری و وثوق مخبری متفاوت خواهد بود. بنا بر مسلک وثوق مخبری، استناد عملی اصحاب به یک روایت اهل سنت موجب وثاقت آن راوی نمی‌شود تا دیگر روایات او هم قابل عمل باشد. اما بنا بر مسلک وثوق خبری، از باب حصول وثوق به صدور از معصوم تفاوتی میان روایات شیعی و سنی نسبت به جریان قاعده جبر ضعف سند نیست. چنانچه برخی بهره از این قاعده را سنگ بنای استنباط فقهی دانسته‌اند (رشتی، بی‌تا، ص ۴۵۱).

بر اساس مبنای این نوشتار (مسلک وثاقت خبری)، پذیرش خبر ضعیف متکی بر شهرت عملی، لازمه تامی با پذیرش وثاقت راویان آن ندارد و تنها سبب اطمینان به صدور خبر می‌گردد. و عمل مشهور، تنها زمانی جابر ضعف سند خواهد بود که سبب حصول اطمینان به صدور روایت گردد. و نیز اگر مستند عمل مشهور، چیزی به جز روایت مورد نظر باشد و احتمال استناد آنها به عدم مخالفت روایت با کتاب و قواعد وجود داشته باشد، دیگر شهرت عملی جابر ضعف سند نخواهد بود (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۱۹۰). چرا که اگر مستند دیگری جز روایت ضعیف وجود داشته باشد، اطمینان لازم به اینکه فقهاء عمل خود را به خبر ضعیف مستند کرده‌اند، ایجاد نمی‌شود. به دیگر سخن، از آنجا که مستند عمل یا فتوای مشهور، همیشه به روشنی معلوم نیست نمی‌توان ملازمه‌ای پایدار میان شهرت عملی با اعتبار روایات عامی یافت. چرا که ممکن است پشتوانه‌ای به جز خبر برای شهرت وجود داشته باشد که از دید پسینیان پنهان مانده است. نهایت اینکه اگر عمل مشهور به‌عنوان قرینه‌ای عقلایی در حصول اطمینان لحاظ شود و این عمل هم تنها مستند به خبر عامی باشد، می‌توان آنرا یکی از دست‌مایه جبران ضعف سندی قرار داد.

۱-۱-۶. اعتماد به اخبار منقول در کتب بزرگان شیعه

یکی از نشانه‌های صحت احادیث نزد پیشینیان، درج آن در کتب معتبر و اعتماد بزرگمردان عرصه علم به آنهاست (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲؛ صدر عاملی، بی‌تا، ص ۱۱۵). برای نمونه، علامه مجلسی در نگارش حدیث‌نامه سترگ و گرانسنگ خویش، ۸۵ فقره از

نگاشته‌های گوناگون اهل سنت را به کار گرفته و آنها را به سه رده منابع روایی، نگارش‌های فقه الحدیثی و نیز کتب لغت و زبان عرب تقسیم می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، صص ۲۴-۲۶). وی، بهره از آن کتب را با سه هدف ردیه بر نظر مخالفان، کشف موارد تقیه‌ای در اخبار شیعی و نیز توضیح یا تأیید روایات شیعی روا می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۵). هم‌چنین، کتابی با عنوان «شهاب» که از نگاشته‌های اهل سنت است را به سبب اعتماد علماء شیعی به این کتاب، مورد اعتماد دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۲). وی کتاب «طب النبی» را با وجود در برداشتن روایت عامه، به سبب شهرت روایات آن در میان علمایی مانند خواجه نصیرالدین طوسی، معتبر شمرده شده است.

در نمونه‌ای دیگر، سید مرتضی برای اثبات حرمت فقاع از اجماع و روایت عبدالله اشجعی که بزرگان شیعی آن را از کتب اهل سنت نقل کرده‌اند استناد می‌کند (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۰). صاحب حدائق نیز بر اساس اعتماد صدوق و مفید به برخی از اخبار اهل سنت از آنها در روند استنباط فقهی بهره گرفته است (ن.ک: بحرانی، ۱۳۶۳ش، ج ۲۳، ص ۱۴۷).

نقد و بررسی

نیک روشن است که اعتماد گذشتگان به یک کتاب یا مجموعه‌ای از اخبار عامه، ملازمه‌ای با معتبر بودن همه اخبار موجود در آن ندارد. چرا که نقل کردن یک خبر در نگاشته‌ها، همیشه به معنای پذیرش آن نیست بلکه گاهی بدون توجه به درستی آن، تنها جمع‌آوری اخبار، مورد توجه بوده است. مانند روند نگارش کتاب میزان الحکمه. هم‌چنین ممکن است که پیشینیان به قرائن مختلفی درباره اعتبار یک روایت دست یافته باشند که در اختیار پسینیان نباشد. گرچه این داوری قدماء درباره این دسته از اخبار اهل سنت بر مبنای خودشان صحیح می‌نماید ولی برای علماء بعدی لزوماً سبب اعتبار آفرینی اخبار اهل سنت نمی‌شود.

۱-۱-۷. پذیرش روایات رجال موثق اهل سنت

در شاخه شیعی علم درایه، حدیثی که در سند آن تا معصوم افراد غیر امامی مورد وثوق شیعیان وجود داشته باشند موثق نامیده می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ص ۷۰؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۶۸؛ میرداماد، ۱۳۱۱ق، ص ۴۱). حداقل یکی از راویان این رده از احادیث، دارای شرط عدالت مورد نظر در اخبار صحیح نیستند ولی به سبب وثوق به آنها، حدیثشان مقبول خواهد بود؛ و عمل به مؤدای آنها جایز است (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۴۴۰؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱،

ص ۲۰۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۶). برخی نیز روایات راویان موثق اهل سنت را به شرط عدم مخالفت با اصول مذهب، مقبول می‌دانند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۹۱). در حالیکه این شرط برای روایات شیعی نیز جریان دارد.

نمونه‌هایی از راویان مورد وثوق عامی در کتب شیعی عبارتند از: محمد بن اسحاق، عمرو بن خالد واسطی، محمد بن منکدر، عبدالملک بن جریح، حسین بن علوان، اصرم بن حوشب بجلی، یحیی بن سعید قطان، ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف و ابراهیم بن محمد بن طلحه (ن.ک: کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۹۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۵۲، ۱۰۷ و ۴۴۳؛ عجلی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۴). تا جاییکه تعداد این راویان در ۷ منبع مهم شیعی ۱۷۳ نفر شمرده شده است (بصیری و دارابی، ۱۳۹۵ش، ص ۴۵).

نقد و بررسی

گرچه این دیدگاه اجمالاً با نظریه برگزیده این جستار سازگار است اما از جهت دیگری می‌توان به رویکرد قبول مطلق حدیث راویان موثق اهل سنت خدشه وارد ساخت. در این رویکرد، بسندگی به سند حدیث، یگانه راه اعتبارسنجی آن شمرده شده است. در حالیکه کاوشهای سندی مستقلاً نمی‌توانند بر انگاره صدور سخنی از معصوم صحه بگذارند. در بسیاری موارد، راوی موثق ممکن است بر اثر کج فهمی، تسامح و ده‌ها عامل خطاساز درونی و بیرونی، مقصود اصلی صادرکننده حدیث را اشتباه فهمیده باشد و مضمون درک ناکرده را به گونه‌ای بسیار متفاوت از آنچه مقصود متکلم بوده، بیان کرده باشد. از دیگر سو، ظاهر فریبنده برخی راویان فریبکار نیز سبب توثیق سند می‌شود.

بر همین اساس، بسیاری از اصولیان و علماء حدیث پژوه فریقین، بررسی سند حدیث را برای حکم به اخذ یا دست شستن از آن کافی ندانسته (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۳۹؛ تهانوی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۹) و حکم به صحّت یا حسن بودن سند را ملازم با حکم به معتبر بودن متن نمی‌دانند (حاکم نیشابوری، ۱۴۳۱ق، ص ۵۸). از سوال ابن ابی یعفر از امام صادق (ع) که با عبارت «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ اخْتِلَافِ الْحَدِيثِ يَرْوِيهِ مَنْ نَبَّأَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا نَبَّأَ بِهِ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِلَّا فَلَا تَدْرِي جَاءَكُمْ بِهِ أَوْلَى بِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۳) بیان شده به سادگی عدم ملازمه تامّ میان وثاقت راوی و صحت خبر معلوم می‌شود.

پس، داوری درباره حدیث متشکل از ارزیابی متن و سند است و قرائن متنی نیز برای کسب اطمینان به اعتبار خبر، مفید خواهند بود. نهایت اینکه تنها روایات راویان موثق غیر

امامی که از ارزیابی‌های متنی سرفراز بیرون آیند، مورد قبول خواهند بود. در باره دلایل این دیدگاه، در بخش رویکرد برگزیده، مطالبی خواهد آمد.

۲-۱. عدم پذیرش اخبار اهل سنت

در رویکرد دوم، اخبار اهل سنت به سبب روایات ناهیه از پذیرش آنها، عدم احراز عدالت راویان آن و یا آگاهی به وقوع وضع و جعل فراوان، پذیرفته نخواهند بود.

۱-۲-۱. عدم پذیرش مجموع روایات مخالفین

در خانواده‌ای از اخبار شیعی، مفاهیمی وجود دارند که دال بر پرهیز از موافقت با اهل سنت هستند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۹۳). در این روایات، یکی از راهکارهای جلوگیری از گسترش اندیشه‌های ناروای اعتقادی، دوری جستن از هم سویی با نظرات مذاهب مخالف شمرده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۱۶). عباراتی چون «إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يُقْبِلُونَ عَلَيَّ شَيْءٍ فَاجْتَنِبْهُ» (طوسی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۲۳۷) نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. پرسش‌های اصحاب معصومین از نحوه مواجهه با اخبار اهل سنت نیز در همین رده می‌گنجند. برای نمونه هارون بن خارجه پرسش خویش از امام صادق (ع) درباره نحوه مواجهه با اخبار مخالفان مذهب تشیع را چنین گزارش می‌کند: «إِنَّا نَأْتِي هَؤُلَاءِ الْمُخَالَفِينَ فَنَسْمَعُ مِنْهُمْ الْحَدِيثَ يَكُونُ حُجَّةً لَنَا عَلَيْهِمْ قَالُوا لَا تَأْتِهِمْ وَ لَا تَسْمَعُ مِنْهُمْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ لَعَنَ مِلَلَهُمُ الْمُشْرِكَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۱۶). علی بن سوید نیز، نگاشته امام کاظم (ع) در این موضوع را چنین بیان می‌دارد: «كُتِبَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ وَ هُوَ فِي الْبَيْتِ، وَ أَمَا مَا ذَكَرْتَ يَا عَلِيُّ مِمَّنْ تَأْخُذُ مَعْلَمَ دِينِكَ: لَا تَأْخُذَنَّ مَعْلَمَ دِينِكَ عَنْ غَيْرِ شِيعَتِنَا» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۴).

گرایش به ظاهر این روایات تا بدانجاست که برخی به سبب وجود این روایات، بیشینه قواعد علم اصول را به جهت مستند نبودن به احادیث اهل بیت، نادرست دانسته و آنها را از مخترعات اهل سنت ارزیابی می‌کنند (حر عاملی، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۵۷۸). علامه مجلسی نیز کسب هرگونه آگاهی، غیر از طریق اهل بیت (ع) را روا ندانسته (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۴) و درباره عمل به اخبار دال بر احکام غیر الزامی از طرق اهل سنت معتقد است که عمل به این اخبار، با توجه به وجود روایات فراوانی که رهنمون به عدم پذیرش اخبار اهل سنت هستند، خالی از اشکال نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۷). هم‌چنین به گونه‌ای فراگیر، روایات عامی را که در بردارنده موضوع و عبادتی جدید نسبت به روایات شیعی باشد

نمی‌پذیرد (همان). در برخی روایات نیز یکی از نشانه‌های مهم شیعیان، مخالفت با اقوال اهل سنت دانسته شده است (حرعاملی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۵۷۵).

نقد و بررسی

ملاک مخالفت با اهل سنت به نحوی مطلق ذکر گردیده و علماء شیعی مواردی چون مذهب اهل سنت (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۴۹؛ بهبهانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۹۱)، نظر فقهای اهل سنت (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۳)، نظر سلاطین اهل سنت (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۲۶). و نیز نظر گروهی از اهل سنت (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۴۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۲۵۳) برشمرده‌اند. بر این اساس با استفاده از خانواده روایات موضوع می‌توان دریافت که معروض^۱ علیه در این سنجه، موافقت با فتوا و نظر فقهاء و زمامداران اهل سنت است نه مجموع روایات ایشان. برخی از علماء اصول نیز بر این باورند که تنها رجوع به فتوای آنها نادرست است نه رجوع به روایات و آداب و سنن ایشان (روحانی، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۳۷۰).

از دیگر سو، چرایی تبیین ملاک مخالفت با عامه، به سبب آگاهاندن به تقیّه و جعل ارزیابی گردیده است. بر این اساس، نمی‌توان همه روایات اهل سنت را نادرست پنداشت. بلکه معیار پیش‌گفته تنها در موارد تعارض خیر شیعی با خیر عامی قابل بهره است نه نسبت به موضوعات غیر الزام‌آور که روایات شیعی در آنها یافت نشده‌است. پس نمی‌توان، معیار مخالفت با اهل سنت را معیاری عمومی دانست که نتیجه آن عدم پذیرش همه اخبار اهل سنت باشد.

۱-۲-۲. عدم پذیرش به دلیل احراز عدالت راویان عامی

پیروان مکتب وثوق سندی، یگانه راه دست یافتن به اعتبار حدیث را جستارهای سندی می‌دانند و بر این باورند که وجود راویان غیر امامی در سلسله سند، یکی از گونه‌های تضعیفات عمومی محسوب شده و سبب اعتمادزدایی از حدیث می‌گردد (کنی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۱۴). برخی از حدیث‌پژوهان امامی، راویانی به جز شیعیان غیر دوازده امامی را به سبب بهره‌مند نبودن از شرایط اعتقادی مانند پذیرش امامت اهل بیت(ع)، از گستره عدالت خارج دانسته‌اند (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۶) و عدالت را به معنای پذیرش تشیع دوازده امامی می‌دانند (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۶). صاحب کتاب فوائد المدنیه در این باره می‌نویسد: «إِنَّ الَّذِي فَهَمَ مِنَ الْأَخْبَارِ التَّعْوِيلَ عَلَى ثِقَاتٍ مَخْصُوصِينَ لَا كُلَّ ثِقَةٍ وَ إِنْ كَانَ فَاسِدَ الْمَذْهَبِ» (استر آبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۸۸). در این

دیدگاه، مفهوم ایمان به معنای پذیرش مذهب تشیع بوده و استنکاف از آن سبب بی‌بهره‌گی از عدالت خواهد شد (میرداماد، ۱۳۱۱ق، ص ۱۱۵). برخی نیز انتخاب مذهبی غیر از شیعه دوازده امامی را مخدوش کننده شرط عدالت دانسته‌اند (صاحب معالم، ۱۳۶۲ش، ص ۵).

نقد و بررسی

در مقابل دیدگاه پیش‌گفته، برخی از علماء، عدالت مورد نیاز در پذیرش روایات را همان وثاقت و ضبط راوی دانسته و فسق جوارحی را تنها ویرانگر عدالت مورد نیاز در پذیرش او می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۸۲). در این دیدگاه، عدالت راوی به معنای عدم ترک واجبات و پرهیز از امور قبیح است (بصیری و دارابی، ۱۳۹۵ش، ص ۳۱) و فساد مذهب راوی معارض با وثاقت وی نخواهد بود (خویی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۳۲) و نیز پیروان همه ادیان و مذاهب در صورت پابندی به باورهای خویش از ویژگی عدالت برخوردارند (خویی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۲۹). به نظر می‌رسد کاربرد عبارت «ثقه فی الحدیث» در کتب رجالی که قیدی افزون نسبت به عبارت «ثقه» دارد، نشانگر وثوق مورد نیاز در نقل حدیث خواهد بود. بر این اساس، عامی بودن شرطی مطلق برای عدم پذیرش روایات محسوب نمی‌شود. بلکه برای حکم به ضعف حدیث، دلایل دیگری چون عدم حصول اطمینان به وثاقت خبری باید احراز گردند. در این باره در بخش رویکرد برگزیده مطالبی خواهد آمد.

۱-۲-۳. عدم پذیرش به سبب احتمال زیاد وقوع وضع و جعل

در یکی از رویکردهای حدیث‌پژوهی، مؤلفه‌های سیاسی برگزیده شده از سوی پیروان مکتب خلفاء، عاملی برای استنکاف از پذیرش اخبار اهل سنت شمرده می‌شود. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از: خودداری و بازداشتن عمومی از نگارش حدیث نبوی بدست حاکمان تا پایان قرن نخست هجری و نیز کتمان آن تا قرن هفتم هجری توسط دانشمندان پیرو مکتب خلفاء (عسکری، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۱۰۸). گونه‌های مختلف این کتمان چنین بر شمرده شده است:

«حذف بخشی از یک حدیث و تبدیل آن به کلماتی دیگر، حذف کامل برخی از سیر صحابه با اشاره به حذف، تأویل نادرست احادیث نبوی، حذف کامل برخی روایات نبوی بدون اشاره به حذف، نهی از نگارش سنت نبوی، تضعیف روایات، راویان و کتبی که سبب اشکال بر حاکمان می‌شدند، سوزاندن کتابها و کتابخانه‌ها، حذف و تحریف سیره برخی

صحابه و نیز وضع احادیث ساختگی در برابر روایات صحیح نبوی و سیره صحیح صحابه» (عسکری، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۳).

این رویکرد بر روایاتی از معصومین(ع) نیز استوار شده است. برای نمونه، امام باقر(ع) در مورد پاره‌ای از اخبار اهل سنت پیرامون بزرگان‌شان چنین می‌فرماید: «أَنَّهُمْ قَدْ رَوَوْا فِي ذَلِكَ الْبَاطِلَ وَ الْكُذِبَ وَ الرَّوْزَ» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۳۳). ایشان در ادامه، ده فقره از مهمترین روایات جعلی را پیرامون مهمترین تفاوت آموزه‌های شیعی با پیروان مکتب خلفاء یعنی مسأله جانشینی علی(ع) پس از رسول خدا(ص) برمی‌شمرند. روایات در بردارنده موضوعات مخالف اصول مذهب شیعه مانند حقانیت امامان اهل‌بیت نیز جعلی ارزیابی می‌شوند. (مفید، ۱۴۱۳الف، ص ۱۰).

نقد و بررسی

احتمال وجود این آسیب‌ها در مجموعه اخبار به نحو علم اجمالی قابل ارزیابی است. بنا بر آموزه‌های علم اصول فقه، در اینگونه موارد، بهره از اصول عملیه مانند اصله البطلان و نیز حکم به بی‌اعتباری جمیع اخبار عامه، ناروا خواهد بود. با وجود این علم اجمالی، تنها راه خردمندان، جستجو از نشانه‌ها و قرائنی برای پذیرفتن و یا وازدن آنهاست.

۱-۳. رویکرد وسیله‌مدارانه

برخی از محدثان امامیه، بهره از اخبار اهل سنت را تنها در مواردی چون بیان مخالفت آنها با نظر شیعی، کشف موارد تقیه، و پشتوانه‌ای برای آموزه‌های شیعی روا شمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، صص ۲۴-۲۵). در این رویکرد، از اخبار آنها تنها در قامت وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف پیش‌گفته مورد توجه قرار می‌گیرند و لزوماً از اعتبار یا حجیت آفرینی آنها سخن به میان نمی‌آید.

۱-۳-۱. بهره برای کشف تقیه در روایات شیعی

پنهان کردن حقیقت و پوشاندن آن در برابر مخالفان برای جلوگیری از آسیب‌های مادی یا دینی را تقیه نامند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۷). از آنجا که مذهب تشیع در دوره‌های مختلف از حیات خود، از جنبه‌های گوناگون سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی در تنگنا قرار داشته است، امامان شیعه برای حفظ جان خویش و پیروان مکتب و نیز جلوگیری از پراکندگی ایشان از تقیه بهره می‌جستند.

یکی از گونه‌های مواجهه با اخبار عامه، بهره از آنها برای دست‌یافتن به مراد حقیقی یا ظاهری معصوم است. از آنجا که معصومان(ع) بنا بر شرایط محیطی، سیاسی و مذهبی، گاهی مطالبی را می‌فرمودند که مراد جدی ایشان در آن موجود نبود، باید قرینه‌ای یافت شود که در فهم جهت صدور روایات مفید باشد. بر این اساس، روایات صادره از روی تقیه، در ظاهر مخالف آموزه‌های شیعی هستند ولی در واقع بنا بر مصالحی مانند حفظ جان، مال و آبروی شیعیان بیان می‌شدند. مهمترین سنجه برای کشف تقیه، تطبیق روایت با اخبار اهل سنت است. به این نحو که خبر موافق با اهل سنت و مخالف با آموزه‌های شیعی، در صورت صدور از معصوم، از روی تقیه صادر شده است. شیخ طوسی بر همین اساس، صدور برخی روایات منقول از روایان اهل سنت چون وهب بن وهب و نیز روایات مخالف آموزه‌های شیعی را به سبب موافقت با نظر عامه، بر تقیه حمل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲ و ۹۷).

نقد و بررسی

با دقت در متون روایی و سیره معصومان می‌توان دریافت که گزارشی درباره تقیه پیامبر اسلام(ص)، علی(ع) و حسنین(ع) به معنای امروزی آن وجود ندارد. بلکه تقیه، پس از شهادت امام سوم شیعیان در قامت یک راهبرد سیاسی مطرح گردید. تا جاییکه معصومان(ع) آنرا دین و روش خود معرفی کردند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۵۵). با دقت در احادیث دال بر تقیه می‌توان دریافت که ائمه در مسائل فقهی مرتبط با حکومت و ولایت از تقیه بهره می‌بردند اما در بیان احکام فقهی غیر مرتبط با جنبه‌های سیاسی نه تنها تقیه نکردند بلکه نظر خویش را به آشکاری در مخالفت با اهل سنت بیان کرده‌اند (ن.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۱).

از دیگر سو، مقایسه میان خبر شیعی با اخبار اهل سنت همیشه برای کشف تقیه نخواهد بود. بلکه در برخی موارد، معصوم(ع)، پاسخی متناسب با مذهب پرسشگر را بیان داشته است. برای نمونه، امام صادق(ع) به تبیین پاسخ مسائل بر حسب مذهب پرسنده، توصیه می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۳۳). در نمونه‌ای دیگر، تبیین تعداد تکبیرهای نماز میت را مطابق مذهب وی می‌دانند (همان، ج ۲، ص ۷۸۱). از این رو، زمانی می‌توان روایت شیعی موافق با نظر اهل سنت را بر تقیه حمل کرد که موضوع حدیث، با مسائل مربوط به سیاست و حکومت زمان صدور در پیوند باشد و یا نمادی برای اهل تسنن باشد. در غیر این صورت، مخالفت با اهل سنت را نمی‌توان سنجه‌ای مطلق در هنگامه تعارض بر شمرد (ن.ک: جعفری هرنندی،

۱۳۹۳ش، ص ۴۳). پس، وجود هر روایت عامی مخالف با منظومه معرفتی شیعه، قرینه‌ای حتمی بر وقوع تقیه نخواهد بود.

۱-۳-۲. بهره‌گیری برای دفاع از آموزه‌های شیعی

علماء امامی به پاره‌ای از اخبار اهل سنت از باب «الفضل ما شهدت به الاعداء» استناد جسته‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۳۸). از این اخبار در مواردی چون احتجاج (عسکری، ۱۳۹۱ش، ص ۱۶۱)، معارضه با خصم (علم الهدی، ۱۴۱۷، ص ۴۴۶)، تأیید آموزه‌های شیعی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۵)، بیشینه‌سازی طرق اخبار شیعی (بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، صص ۶۳-۶۳۹)، پشتیبانی از اندیشه شیعی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۵) و جبران کاستی‌های سندی اخبار شیعی (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۳۷) بهره برده شده است. این اخبار در بردارنده مواردی هستند که هیأتی مخالف آموزه‌های عمومی پیروان مکتب خلفاء دارند.

نقل برخی از فضائل اهل بیت از زبان مخالفان سیاسی و اعتقادی، نمونه‌هایی مناسب در مقام احتجاج با مخالفان فراهم می‌آورد. برای نمونه گزارش علی بن محمد بن جهم از گفتگوی امام رضا(ع) با مأمون درباره عصمت انبیاء، نمونه‌ای از این جریان است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۹۵). بر اساس شواهد رجالی، وی در دشمنی با اهل بیت شهره بود (اردبیلی، ۱۴۳۳ق، ج ۴، ص ۶۵۴). با این حال، روایات مذکور را که در بردارنده دهها پرسش مأمون از امام رضا(ع) و پاسخهای استوار قرآن‌محور ایشان است را گزارش نموده و در پایان به برتری همه جانبه اهل بیت(ع) اعتراف نموده است.

هم چنین در جوامع شیعی مصداق کامل هادی در آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد: ۷)، علی (ع) و امامان اهل بیت شمرده شده است (بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۲۷). اما در برخی روایات اهل سنت مراد از هادی در این آیه هر پیشوایی است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۷۲). برای تقویت دیدگاه شیعی می‌توان از روایاتی بهره جست که اهل سنت با عباراتی چون «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ وَضِعَ يَدَهُ عَلَيَّ صَدْرَ نَفْسِهِ ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَيَّ صَدْرَ عَلِيٍّ وَ يَقُولُ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۵) از رسول خدا(ص) نقل کرده‌اند.

علماء شیعی در مواجهه با اخبار اهل سنت به جنبه اصلاح و بازسازی این اخبار نیز توجه داشته‌اند. علامه مجلسی یکی از گونه‌های مواجهه خویش با اخبار منقول از اهل سنت را تصحیح الفاظ خبر و تعیین معانی آنها می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۴). نیک هویدا است که این رویکرد نیز به سبب اثبات تفوق دانشهای شیعی بر آموزه‌های عامه، گونه‌ای از تبیین استواری عقاید شیعی شمرده می‌شود.

نقد و بررسی

بهره از اخبار اهل سنت به‌عنوان وسیله‌ای برای دفاع یا اثبات آموزه‌های شیعی، به معنای پذیرش یا واژدن این اخبار نیست. اساساً این رویکرد درباره میزان حجیت یا اعتبار این اخبار از منظر شیعی داوری نمی‌کند بلکه به گونه‌ای برای برانگیختن مخاطبانی با مذاهب دیگر مفید است. نیک روشن است که در این رویکرد، از این اخبار به‌عنوان منبع دریافت معارف دین بهره برده نمی‌شود بلکه تنها ابزاری برای تایید نظرات امامیه در نظرگاه دیگران هستند.

۲. دیدگاه برگزیده امامیه در مواجهه با اخبار عامه

در میان علماء شیعی، دو مبنای کلی در ملاک اعتبار و حجیت خبر واحد وجود دارد. یکی وثاقت راوی (وثوق سندی یا مخبری) و دیگری وثوق صدور (وثوق خبری). در رویکرد اول، تنها خبری دارای اعتبار است که راویان آن ثقة و مورد اعتماد باشند (ن.ک: شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، صص ۳۰-۳۲). اما در رویکرد دوم، روایاتی معتبرند که به واسطه قراین ولو از ناحیه وثاقت راوی یا عمل مشهور و... به صدور روایت از معصوم (ع) وثوق حاصل شود (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۷۴؛ بحرانی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۴؛ نائینی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۲۸). روایاتی چون «مَا جَاءَكَ فِي رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يُؤَافِقُ الْقُرْآنَ فَخُذْ بِهِ وَ مَا جَاءَكَ فِي رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يُخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَا تَأْخُذْ بِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۴۳) که به آشکاری، اهمیت بررسی متن خبر نسبت به سند آن را آشکار می‌سازند؛ پشتوانه رویکرد دوم قرار می‌گیرند. اخباری چون «حُدُّوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُتُبُوا نَعَادَ الْكَلَامِ» (برقی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۲۳۰) نیز ملاک پذیرش نظرات را نقد محتوای آنها دانسته‌اند نه فراخ داری در پذیرش سخنان موافقان یا رد نظر مخالفان.

نیک هویدا است که گزاره‌هایی به‌عنوان کلام معصومین، شناخته می‌شوند که اطمینان کافی به صدور آنها از معصوم (ع) وجود داشته باشد. بر همین مبنا حصول وثوق به خبر را از هر راه معتبری مانند بررسی سند، اعتبارسنجی متن، عمل مشهور و فتوای مشهور قدماء روا دانسته شده است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۲۷). گرچه ممکن است هر یک از قرائن پیش‌گفته به گونه‌ای مطلق، پشتوانه‌ای برای عمل به اخبار ضعیف‌السند باشند ولی وجود همه یا برخی از آنها اجمالاً سبب اطمینان به صدور حدیث خواهد بود.

به نظر می‌رسد با در نظر داشتن هر کدام از دو رویکرد پیش‌گفته، تنها شرط معتبر در اعتبارسنجی شخصیت راوی، حصول اعتماد به اوست (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۴۴۵). روشن

است که مفهوم اعتماد به راوی به معنای اعتماد بر خبر اوست و بر این اساس سه شرط عاقل، ثقه و ضابط بودن، شرایط اعتماد به راوی خواهد بود. در همه مواردی که این سه شرط صادق باشند، می‌توان آن را معتبر دانست. اگرچه راوی با اوصافی چون کفر، عدم بلوغ؛ غیر امامی و فسق (به معنای خاصی که در وی صفت کذب نباشد) شناخته شده باشد. همانگونه که بنا بر سیره عقلاء نیز گفتارهای عادی آنان در امور معاش، منشأ آثار و مورد اعتماد است.

بر اساس رویکرد حصول اطمینان به صدور خبر است که علماء پیشگام امامیه، روایات آن دسته از پیروان سنت که در میان اهل سنت به وثوق خبری شهره‌اند و نسبت به شیعه عصبیتی ندارند را پذیرفته‌اند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۹). و نیز روایات راویان غیر امامی تنها با وجود دو شرط حصول وثوق به راوی و عدم وجود روایات شیعی غیر معارض، مسموع خواهند بود (غلامعلی، ۱۳۹۳، ص ۱۶). بر این اساس، گستراندن مفهوم روایات بازدارنده از موافقت با اهل سنت به همه روایات، فتاوا و احکام ایشان ناروا خواهد بود. از دیگر سو، جستجو در اخبار اهل سنت برای یافتن حکمی که در روایات شیعی موجود نیست، مانند فحص از قرائن گسسته و پیوسته به حکم عقل واجب بوده و در مسیر استنباط مفید خواهد بود (خمینی، مصطفی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۹۱). پس نمی‌توان اخبار اهل سنت را به کلی نادیده انگاشت.

بر این اساس آن دسته از اخبار اهل سنت که راویان آنها متهم به کذب، ناصبی‌گری و جعل نباشند در فرآیند اعتبارسنجی حدیث قرار می‌گیرند. این فرآیند در دو حوزه سند و متن سامان می‌یابد. در گام اول، سند حدیث از حیث صدور آن از معصوم مورد کنکاش قرار می‌گیرد. در این مرحله، از قرائن مختلف برای حصول وثوق به صدور خبر بهره برده می‌شود. حدیثی که از این گام سرفراز خارج شود وارد گردونه بررسی‌های متنی خواهد شد. در واکاوی‌های متنی نیز عواملی چون عدم مخالفت حدیث با قرآن، سنت معتبره، حکم عقل، شهرت عملی، گزاره‌های معتبر علمی و تاریخ قطعی سنجه‌هایی برای اعتبارسنجی حدیث اهل سنت خواهند بود. در نهایت، آن دسته از اخبار اهل سنت مورد قبول خواهند بود که از دو گام پیش‌گفته رسته باشند.

نتایج تحقیق

با بررسی رویکردهای مختلف مواجهه علماء شیعی با اخبار عامی‌نتایج زیر حاصل آمد:

۱. برخی از علماء شیعی، پذیرش اخبار اهل سنت را مشروط به احراز شرایطی می‌دانند. بر اساس جستجوی این جستار، شرایط پیش‌گفته عبارتند از: احتوای خبر اهل سنت بر

موضوعاتی به جز احکام الزامی و اصول عقاید شیعی، نقل خبر از پیامبر(ص)، نقل خبر از علی(ع)، پشتیبانی خبر با عمل مشهور، وجود راویان موثق در سلسله سند و نیز اعتماد به اخبار منقول در کتب بزرگان امامیه. هر کدام از این شرایط با چالش‌هایی روبرو هستند که سبب می‌شود نتوان احراز آنها را مایه‌ای برای سامان دادن رویکردی روش‌مند در مواجهه با اخبار اهل سنت دانست.

۲. کسانی دیگر از علماء، پذیرش اخبار اهل سنت را به سه دلیل روا نمی‌دانند. این دلایل عبارتند از: روایات بازدارنده از پذیرش اخبار عامه، عدم احراز عدالت راویان اهل سنت و نیز وقوع وضع، جعل و آسیب‌های حدیثی خود خواسته در مجموع اخبار عامه. ادله عدم پذیرش اخبار اهل سنت به نحو مطلق نیز دچار اشکالاتی بوده که برخی از آنها عبارتند از: وجود روایات مخالف با فرضیه رد مطلق اخبار عامه، انصراف داشتن لفظ اهل سنت به فتاوا و نظرات فقهای ایشان در فقره «خذ ما خالف العامه»، متغیر بودن مفهوم عدالت در نظراندیشوران شیعی و نیز عدم کفایت علم اجمالی به وقوع وضع و جعل برای اثبات نادرستی همه اخبار عامه.

۳. رویکرد سوم در مواجهه با اخبار عامه، بهره از آنها برای مواردی چون کشف تقیه و دفاع از مجموعه آموزه‌های شیعی است. اشکالات این رویکرد نیز عبارتند از: مخالفت روایات شیعی با روایات اهل سنت را نمی‌توان ملازم تام با کشف تقیه در جهت صدور آنها دانست. چون ممکن است معصوم مطابق با مذهب راوی سخنی فرموده باشند. هم‌چنین بهره از این اخبار برای احتجاج، هیچگونه داوری درباره آنها بر اساس مؤلفه‌های درون مذهبی ارائه نمی‌کند تا بتوان اعتبار این اخبار را سنجید.

۴. سیره عقلاء در مواجهه با اخبار، یافتن قرآنی برای به دست آوردن اطمینان به صدور آن خبر است. در این مسیر، از انواع ملاکهای اعتبارسنجی سند و متن بهره برده می‌شود.

۵. آن دسته از اخبار اهل سنت در فرآیند اعتبارسنجی شیعی قرار می‌گیرند که راویان آنها متهم به کذب، دشمنی با اهل بیت و جعل نباشند. اخبار باقی مانده در فرآیند بررسی سند و متن قرار می‌گیرند.

۶. در بررسی‌های سندی بهره از هرگونه قرینه‌ای که سبب حصول وثوق به صدور حدیث از معصوم شود معتبر خواهد بود. در گام بعد، متن اخبار اهل سنت با مؤلفه‌هایی چون عدم مخالفت با قرآن، سنت معتبره، تاریخ قطعی، حکم عقل و دستاوردهای علمی سنجیده می‌شوند. تنها اخباری معتبر خواهند بود که از هر دو گام سرفراز بیرون آیند.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش) *علل الشرائع*، قم: داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، *من لا يحضره الفقيه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا(ع)*، تهران: نشر جهان.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، بیروت: دار الکتب الاسلامی.
- اردبیلی، محمد بن علی، (۱۴۳۳ق)، *جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات*، قم: بوستان کتاب.
- استرآبادی، محمد امین، (۱۴۲۶ق)، *الفوائد المدنیة*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- اصفهانى، محمد حسین، (۱۴۰۴ق)، *الفصول الغرویة فی اصول الفقهیة*، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیة.
- اصفهانى، محمد حسین، (۱۴۱۴ق)، *نهاية الدراية فی شرح الكفاية*، قم: آل البيت.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۴ق)، *رسائل فقهیة*، قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویة الثانيه لمیلاد الشیخ الانصاری.
- بجنوردی، حسن، (۱۴۱۹ق)، *القواعد الفقهیة*، قم: نشر الهادی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۳۷۴ش)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه البعثه.
- بحرانی، یوسف، (۱۳۶۳ش)، *الحدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهره*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الاسلامیة.
- بصیری، حمیدرضا؛ دارابی، فرشته، (۱۳۹۵ش)، «میزان اعتبار راویان اهل سنت از دیدگاه علمای شیعه»، *علوم حدیث*، صص ۲۷-۵۲.
- بهبهانی، محمد باقر، (۱۴۲۶ق)، *حاشیة الوافی*، قم: مؤسسه العلامه المجدد الوحید البهبهانی.
- بهبهانی، محمد باقر، (۱۴۲۴ق)، *مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع*، قم: مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی.
- تسلیح، محسن و همکاران، (۱۳۹۸ش)، «واکاوی در دلالت قاعده مخالفت با اهل سنت در فقه و اصول شیعه»، *پژوهش‌های فقهی*، شماره ۳۹، صص ۵۷۳-۵۹۹.
- تهانوی، ظفر احمد، (۱۴۰۴ق)، *قواعد فی علم الحدیث*، بیروت: مکتب المطبوعات الاسلامی.
- جعفری هرنندی، محمد، (۱۳۹۳ش)، «ملاک و چگونگی به کار گیری تقیه در دوره حضور معصومان(ع)»، *فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۳۵، صص ۱۱-۴۴.
- حافظیان بابلی، ابوالفضل، (۱۴۲۵ق)، *رسائل فی درایة الحدیث*، قم: دار الحدیث.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۳۱ق)، *معرفة علوم الحديث و کمیة اجناسه*، ریاض: مکتبه المعارف.

حجتی، بهاء الدین، (۱۴۱۲ق)، *حاشیه علی الکفایه*، قم: انصاریان.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل البيت.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۶ش)، *الفصول المهمه فی أصول الأئمه*، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).

حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۲۳ق)، *معارج الاصول*، قم: مؤسسه الامام علی (ع).

حلی، محمد بن حسن، (۱۳۸۹ق) *ایضاح الفوائد*، قم: چاپخانه علمیه.

خمینی، سید مصطفی، (۱۴۱۸ق)، *تحریرات فی الاصول*، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی.

خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق)، *مصباح الاصول*، تحقیق: سید محمد حسینی بهسودی، قم: مکتبه الداوری.

خویی، ابوالقاسم، (۱۳۷۲ش)، *معجم رجال الحديث*، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه.

خویی، ابوالقاسم، (۱۴۲۳ق)، *موسوعه الامام الخویی*، قم: مؤسسه آثار الامام الخویی.

ذهبی، محمد حسین، (۱۴۲۱ق) *التفسیر و المفسرون*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ربانی بیرجندی، محمد حسن، (۱۳۷۸ش)، «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاهها»، *نشریه فقه*، شماره ۱۹ و ۲۰.

رشتی، حبیب الله بن محمد علی، (بی تا)، *بدائع الأفكار*، قم: راه حق.

روحانی، سید محمد، (۱۴۱۳ق)، *منتقى الاصول*، قم: امیر.

روحانی، محمد صادق، (۱۴۳۲ق)، *زبدة الاصول*، قم: شروق.

سبحانی، جعفر، (۱۴۱۵ق-الف)، *الرسائل الأربع*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

سبحانی، جعفر، (۱۴۱۵ق-ب)، *المحصول فی علم الاصول*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).

سبحانی، جعفر، (۱۴۲۴ق)، *ارشاد العقول الی مباحث الاصول*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

سبحانی، جعفر، (۱۴۱۲ق)، *اصول الحديث و احکامه*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه عمومی

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی، (۱۴۱۴ق) *غایه المراد*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۲۳ق)، *الرعايه لحال البدایه فی علم الدرایه*، قم: بوستان کتاب.

صاحب معالم، حسن بن زین الدین، (۱۳۶۲ش)، *منتقى الجمال فى احاديث الصحاح و الحسان*، بی جا: بی نا.

صدر عاملی، حسن، (بی تا)، *نهایة الدراییه*، ماجد غرباوی، قم: مشعر.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، *المیزان فى تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات

طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۹ش)، *شیعه در اسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فى تفسیر القرآن*، لبنان: دارالمعرفه.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ق)، *العدة فى اصول الفقه*، قم: بعثت.

عابدینی، احمد، (۱۳۸۵ش)، «بررسی تسامح در ادله سنن»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۸۳، صص ۲۹-۳۸.

عاملی، محمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، *مدارک الاحکام فى شرح عبادات شرائع الاسلام*، بیروت: آل البيت (ع).

عجلی، احمد بن عبدالله، (۱۴۰۵ق)، *معرفة الثقات من رجال اهل العلم و الحدیث*، مدینه: مکتبه الدار.

عراقی، آقا ضیاء، (۱۴۱۷ق)، *نهایة الافکار*، قم: انتشارات اسلامی.

عسکری، مرتضی، (۱۳۹۲ش)، *نقش ائمه در احیای دین*، قم: دانشکده اصول الدین.

عسکری، مرتضی، (۱۳۹۱ش)، *برگستره کتاب و سنت*، قم: دانشکده اصول الدین.

عسکری، مرتضی، (۱۴۱۴ق)، *معالم المدرستین*، قم: المجمع العلمی الاسلامی.

علم الهدی، علی بن حسین، (۱۴۱۵ق)، *الانتصار*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

علم الهدی، علی بن حسین، (۱۴۱۷ق)، *مسائل الناصریات*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب.

غلامعلی، مهدی، (۱۳۹۳ش)، «خاستگاه روایی شرایط راوی در ارزش گذاری رجالیان کهن»، *حدیث*

حوزه، شماره ۹.

غوری، عبدالماجد، (۱۴۳۳ق)، *علم الرجال*، بیروت: دار ابن کثیر.

فضلی، عبدالهادی، (۱۴۱۶ق)، *اصول الحدیث*، بیروت: موسسه ام القرى للطباعة و النشر.

فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین.

فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.

کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *رجال الکشی*، مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد.

کریمیان، محمد، (۱۳۹۷ش)، «اعتبارسنجی و مفهوم شناسی احادیث من بلغ»، حدیث حوزه، شماره ۱۶، صص ۷-۲۱.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دار الحدیث.

کنی، علی، (۱۴۲۱ق)، *توضیح المقال فی علم الرجال*، قم: دار الحدیث.

لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ش)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دار الحدیث.

مازندرانی، محمد صالح، (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی*، تهران: المکتب الاسلامیه.

مامقانی، عبدالله، (۱۴۱۱ق)، *مقیاس الهدایه*، قم: آل البيت (ع).

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الطهاره*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمد جعفری، رسول؛ جلالی، مهدی، (۱۳۹۳ش)، «نقش اهل بیت در نقد و تبیین روایات کلامی عامه»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، شماره ۲۳.

محمدی گیلانی، محمد، (۱۳۷۶ش)، «شایستگی زنان برای عهده دار شدن قضاوت»، *فقه اهل بیت*، صص ۸۹-۱۴۶.

مظاهری، حسین، (۱۳۹۷ش)، «*عوائد القواعد الفقهیة*»، اصفهان: مؤسسه مطالعاتی الزهراء (س).

مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *تصحیح الاعتقادات الامامیه*، بیروت: چاپ حسین در گاهی

مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق-الف)، *الإفصاح فی الإمامه*، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.

مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق-ب)، *المسائل الصاغانیه*، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.

میرداماد، محمد باقر بن محمد، (۱۳۱۱ق)، *الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیه*، قم: دارالخلافة.

نابینی، محمد حسین، (۱۴۱۶ق)، *فوائد الاصول*، قم: دفتر انتشارات اسلامی

نابینی، محمد حسین، (۱۳۵۲ق)، *اجود التقریرات*، تحقیق: ابوالقاسم خویی، صیدا: مطبعة الفرقان.

نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، *رجال*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷ش)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، قم: اسلامیة.

نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۳۷۵ش)، *عوائد الایام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*؛ قم: الهادی.

Bibliography:

The Holy Quran.

Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali, (1385) The Causes of the Laws, Qom: Judgement

Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali, (1413 AH), Man La Yahdrah al-Faqih, Qom: Islamic Publications Office.

Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali, (1378 AH), Ayoun Akhbar al-Reza (a.s.), Tehran: Jahan Press.

Ibn Fahd Heli, Ahmad Ibn Muhammad, (1407 AH), Kait al-Da'i and Najah al-Sa'i, Beirut: Dar al-Kitab al-Islami.

Ardabili, Muhammad bin Ali, (1433 AH), Jame Al-Rawah and Explanation of Mistakes, Qom: Bostan Kitab.

Astrabadi, Mohammad Amin, (1426 AH), al-Fawad al-Madaniyyah, Qom: Al-Nashar al-Islami

Esfahani, Muhammad Hossein, (1404 AH), Al-Fusul al-Gharwiyyah fi Usul al-Fiqhiyyah, Qom: Dar Ahya Uloom Al-Islamiyyah.

Esfahani, Muhammad Hossein, (1414 AH), Nahayya al-Daraya fi Sharh al-Kafayah, Qom: Al-Al-Bayt.

Ansari, Morteza, (1414 A.H.), Rasa'il Faqhiyyah, Qom: Al-Ansari al-Alami, on the occasion of the commemoration of the second anniversary of the birth of Sheikh Ansari.

Bojnavardi, Hassan, (1419 AH), Al-Qasas al-Fiqhiyyah, Qom: Al-Hadi publication

Bahrani, Hashem bin Suleiman, (1374), Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Al-Baath Institute.

Bahrani, Yusuf, (1363), al-Hadaiq al-Nadrah fi Haqam al-Utrah al-Tahirah, Qom: Islamic Publications Office.

Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid, (1371 AH), Al-Mahasen, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya.

Basiri, Hamidreza; Darabi, Ferishte, (2015), "The credibility of Sunni narrators from the point of view of Shia scholars", Hadith Sciences, pp. 52-27.

Behbahani, Muhammad Baqir, (1426 AH), Hashiya Al-Wafi, Qom: Al-Allamah Al-Mujjad Al-Wahid Al-Bahbahani Institute.

Behbahani, Mohammad Baqir, (1424 AH), Masabih al-Musabah fi Sharh Mufatih al-Shar'ee, Qom: Allameh Mujaddid Vahid Behbahani Institute.

Taslikh, Mohsen et al., (2018), "Analysis of the implication of the rule of opposition to Sunnis in Fiqh and Shia principles", Jurisprudence Research, No. 39, pp. 573-599.

- Tahanwi, Zafar Ahmad, (1404 AH), Rules in the Science of Hadith, Beirut: School of Islamic Press.
- Jafari Harandi, Muhammad, (2013), "Criteria and how to apply taqiyyah during the presence of the Prophet (pbuh)", Islamic Jurisprudence and Law Research Quarterly, No. 35, pp. 11-44.
- Babylonian Hafizian, Abul Fazl, (1425 A.H.), Rasa'il fi Darayah al-Hadith, Qom: Dar al-Hadith.
- Hakim Neishaburi, Muhammad bin Abdullah, (1431 A.H.), Knowledge of hadith sciences and the quantity of goods, Riyadh: Maktaba al-Maarif.
- Hojjati, Baha al-Din, (1412 A.H.), Marjih Ali al-Kafayeh, Qom: Ansarian.
- Har Aamili, Muhammad bin Hasan, (1409 AH), Shi'ite means, Qom: Al-Al-Bayt Institute
- Har Ameli, Muhammad bin Hassan, (1376), Al-Fusul Al-Muthama fi Asul al-Imam, Qom: Imam Reza Institute of Islamic Studies (AS).
- Hali, Jafar bin Hassan, (1423 AH), Ma'araj al-Asul, Qom,: Institute of Imam Ali (AS).
- Hali, Muhammad bin Hassan, (1389 A.H.) Idlah al-Fawad, Qom: Ilmia Printing House
- Khomeini, Seyyed Mustafa, (1418 AH), Tahrirat Fi al-Asul, Tehran: Imam Khomeini Works Publishing Institute.
- Khoei, Abu al-Qasim, (1417 AH), Misbah al-Asul, Research: Seyyed Mohammad Hosseini Behsodi, Qom: Al-Davari School.
- Khoei, Abu al-Qasim, (1372), The Majem of Rijal al-Hadith, Qom: Al-Thaqafa al-Islamiya publishing center.
- Khoei, Abu al-Qasim, (1423 AH), Al-Imam Al-Khoei Encyclopaedia, Qom: Imam Al-Khoei Works Institute.
- Dhahabi, Muhammad Hossein, (1421 AH) al-Tafsir wa al-Mafsirun, Beirut: Dar Ihiya al-Tarath al-Arabi. ,
- Rabbani Birjandi, Mohammad Hassan, (1378), "Issue trust and document trust and views", Fiqh Journal, No. 19 and 20.
- Rashti, Habibollah bin Muhammad Ali, (Bita), Bada'e al-Hadab, Qom: Rah Haq
- Rouhani, Seyyed Mohammad, (1413 AH), Muntaqi al-Asul, Qom: Amir
- Rouhani, Mohammad Sadegh, (1432 AH), Zubdah al-Asul, Qom: Shorouq
- Sobhani, Jafar. (1415 A.H.), Al-Rashee al-Arba, Qom: Imam Sadiq Institute (AS).
- Sobhani, Jafar, (1415 A.H.), Al-Mashul fi ilm al-usul, Qom: Institute of Imam al-Sadiq (a.s.).
- Sobhani, Ja'far, (1424 AH), Irshad al-Aqool to the principles of al-Asul, Qom: Imam Sadiq Institute (AS).

- Sobhani, Jafar, (1412 AH), Principles of Hadith and Precepts, Qom: Institute of Imam al-Sadiq (a.s.).
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, (1404 AH), Al-Dar Al-Manthur in al-Tafsir in Mathur, Qom: General Library of Hazrat Ayatollah Grand Marashi Najafi.
- The first martyr, Muhammad bin Jamal al-Din Makki, (1414 AH) Ghaya Al Murad, Qom: Islamic Propaganda Office.
- Martyr Thani, Zain al-Din bin Ali, (1423 AH), al-Raa'ya Lahal al-Bada'ya fi 'Ilam al-Dara'ya, Qom: Bostan Kitab.
- Sahib Ma'alim, Hasan bin Zain al-Din, (1362 AD), Al-Jaman's selection of hadiths as-Sahah and Al-Hasan, bija: bi na.
- Sadr Ameli, Hassan, (Bita), Nahaye Al-Daraye, Majid Gharbawi, Qom: Mashaar.
- Tabatabayi, Mohammad Hossein, (1390), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Al-Alami Foundation for Press.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (1389), Shia in Islam, Qom: Islamic Publications Office
- Tabari, Muhammad bin Jarir, (1412 AH), Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Lebanon: Dar al-Marafa.
- Tousi, Muhammad bin Hassan, (1390 A.H.), Al-Istbasar Fima Akhtulf Man Al-Akhbar, Tehran: Da Al-Katb al-Islamiyya.
- Tousi, Muhammad bin Hasan, (1407 AH), Tahdeeb al-Ahkam, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Tusi, Muhammad bin Hassan, (1417 AH), Al-Ida fi Usul al-Fiqh, Qom: Ba'ath.
- Abedini, Ahmed, (2016), "Review of Tolerance in the Evidences of Sunan", Reflection of Thought, No. 83, pp. 29-38.
- Ameli, Muhammad bin Ali, (1411 A.H.), Evidence of the Laws of the Laws of Islam, Beirut: Al-Al-Bayt (A.S.).
- Ajli, Ahmad bin Abdullah, (1405 AH), Marafah Al-Thaqat Man Rijal Ahlul Alam wa Hadith, Medina: Al-Dar School.
- Iraqi, Agha Zia, (1417 AH), Nahayah al-Afkar, Qom: Islamic Publications.
- Askari, Morteza, (2012), The Role of Imams in Revival of Religion, Qom: Usul al-Din Faculty.
- Askari, Morteza, (1391), on the scope of the book and tradition, Qom: Usul al-Din Faculty.
- Askari, Morteza, (1414 AH), Ma'alam al-Madrastin, Qom: Al-Majjam al-Ilami al-Islami.
- Alam Al-Hadi, Ali bin Hossein. (1415 AH), Al-Intisar, Qom: Al-Nashar Islamic Publishing House

- Alam al-Hadi, Ali bin Hossein, (1417 A.H.), Problems of the Nazarenes, Tehran: World Assembly of the Approximation of Religions.
- Gholamali, Mahdi, (2013), "The Narrative Origin of the Narrator's Conditions in the Valuation of Ancient Gentlemen", Hadith Huza, No. 9.
- Ghori, Abdul Majid, (1433 AH), Alam al-Rajal, Beirut: Dar Ibn Kathir.
- Fazli, Abdul Hadi, (1416 AH), Principles of Hadith, Brut: Umm Al-Qari Printing and Publishing Institute.
- Faiz Kashani, Mohammad Mohsen, (1406 AH), Al-Wafi, Isfahan: Library of Imam Amir al-Momenin.
- Faiz Kashani, Mohammad Mohsen, (1415 AH), Tafsir al-Safi, Tehran: Maktaba al-Sadr
- Kashi, Muhammad bin Omar, (1409 AH), Rizal al-Kashi, Mashhad: Mashhad University Publishing House
- Karimian, Mohammad, (2017), "Validation and Conceptualization of the Hadiths of Man Balgh", Hadith Hozha, No. 16, pp. 21-7.
- Kilini, Muhammad bin Yaqub, (1429 AH), Al-Kafi, Qom: Dar Al-Hadith.
- Kenny, Ali, (1421 A.H.), Taqf al-Maqal fi ilm al-Rijal, Qom: Dar al-Hadith
- Laithi Wasti, Ali bin Muhammad, (1376), Iyun al-Hakam wa al-Mawaiz, Qom: Dar al-Hadith.
- Mazandarani, Mohammad Saleh, (1382 AH), Sharh al-Kafi, Tehran: Al-Maktab al-Islamiya
- Mamqani, Abdullah, (1411 A.H.), Muqbas al-Hudayeh, Qom: Al-Al-Bayt (A.S.).
- Majlesi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar al-Jamaa Ledar al-Akhbar al-Imaa al-Tahar, Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- Mohammad Jafari, Rasool; Jalali, Mahdi, (2013), "The Role of Ahlul Bayt in Criticizing and Explaining Public Oral Traditions", Quran and Hadith Science Research, No. 23.
- Mohammadi Gilani, Mohammad, (1376), "Eligibility of women to be in charge of judging", Fiqh Ahl al-Bayt, pp. 146-89.
- Mazaheri, Hossein, (2017), "Awaed al-Qasas al-Fiqhiyyah", Isfahan: Al-Zahra Institute of Studies (S).
- Mufid, Muhammad bin Muhammad, (1414 AH), Tahih al-Tiqdaat Al-Amamiya, Beirut: Hossein Dar Ghahi Edition
- Mofid, Muhammad bin Muhammad, (1413 AH), al-Ifsah fi al-Imamah, Qom: Sheikh Mofid World Congress.
- Mofid, Muhammad bin Muhammad, (1413 A.H.), Al-Masal al-Saghaniyya, Qom: Sheikh Mofid World Congress.
- Mirdamad, Muhammad Baqir bin Muhammad, (1311 AH), al-Rashish al-Samawiyya in Sharh al-Ahadith al-Imamiya, Qom: Dar al-Khilafah.

- Nayini, Muhammad Hossein, (1416 AH), Fawad al-Asul, Qom: Islamic Publications Office
- Nayini, Mohammad Hossein, (1352 A.H.), Ajud al-Taqarirat, research: Abul Qasim Khoei, Saida: Al-Furqan Press.
- Najashi, Ahmed bin Ali, (1365), Rizal, Qom: Islamic Publishing Institute
- Najafi, Mohammad Hassan, (1367), Jawahar al-Kalam fi Sharh Shar'e al-Islam, Qom: Islamia.
- Naraghi, Ahmed bin Mohammad Mahdi, (1375), Awaed Al-Ayam, Qom: Islamic Propaganda Office.
- Hilali, Salim bin Qays, (1405 AH), the book of Salim bin Qays al-Hilali; Qom: Al-Hadi.

